

## قرآن از زبان دکتر علی شریعتی

قرآن کتابی است که نام بیش از ۷۰ سوره اش از مسائل انسانی گرفته شده است و بیش از ۳۰ سوره اش از پدیده های مادی و تنها ۲ سوره اش از عبادت ! آن هم حج و نماز !

کتابی است که شعاره آیات جهادش با آیات عبادتش قابل قیاس نیست ....

این کتاب از آن روزی که به حیله دشمن و به جهل لایش را بستند ، لایه اش مصرف پیدا کرد و وقتی متنش متروک شد ، جلدش رواج یافت و از آن هنگام که این کتاب را که - خواندنی تام دارد - دیگر نخوانند و برای تقدیس و تبرک و اسباب کشی به کار رفت . از وقتی که دیگر درمان درد های فکری و روحی و اجتماعی را از او نخواستند و سبله ی شفای امراض جسمی چون درد کمر و باد شانه و ... شد و چون در بیداری رهایش کردند . بالای سر در خواب گذاشتند و بالاخره ، اینکه می بین اکنون در خدمت اموات قرارش داده اند و نثار روح ارواح گذشتگان و ندایش از قبرستان های مابه گوش می رسد

قرآن ! من شرمنده توام اگر از تو آواز مرگی ساخته ام که هر وقت در کوجه عان آواز بلند می شود همه از هم می ہرسند " چه کسی مرده است ؟ " چه غفلت بزرگی که می پنداریم خدا ترا برای مردگان ما نازل کرده است .

قرآن ! من شرمنده توام اگر ترا از یک نسخه عملی به یک افسانه موزه نشین مبدل کرده ام .

یکی ذوق می کند که تو را بر روی برنج نوشته ، یکی ذوق می کند که تو را فراموش کرده ، یکی ذوق می کند که تو را با طلا نوشته ، یکی به خود می بالد که که تو را در کوچک ترین قطع ممکن منتشر کرده و... آیا وا قعا خدا تو را فرستاده تا موزه سازی کنیم ؟

قرآن ! من شرمنده توام اگر حتی آنان که تو را می خوانند و تو را می شنوند ، آن چنان به پایت می نشینند که خلائق به پای موسیقی های روزمره می نشینند ... اگر چند آیه از تو را به یک نفس بخوانند مستمعین فریاد می زنند " احسنت ..... "

گویی مسابقه نفس است ...

قرآن ! من شرمنده توام اگر به یک فستیوال مبدل شده ای حفظ کردن تو با شماره صفحه ، خواندن تو از آخر به اول ، یک معرفت است یا یک رکورد گیری ؟ ای کاش آنان که تو را حفظ کرده اند ، حفظ کنی ، تا این چنین تو را اسباب مسابقات هوش نکنند . " خوش بے حال کسی که دلش و حلی است برای تو "

آنان که وقتی تو را می خوانند چنان حظ می کنند . گویی که قرآن همین الان به ایشان نازل شده است . آنچه ما با قرآن گرده ایم تنها یخشی از اسلام است که به صلیب جهالت کشیدیم

## قرآن از زبان دکتر علی شریعتی

قرآن کتابی است که نام بیش از ۷۰ سوره اش از مسائل انسانی گرفته شده است و بیش از ۳۰ سوره اش از پدیده های مادی و تنها ۲ سوره اش از عبادت ! آن هم حج و نماز !

کتابی است که شماره آیات جهادش با آیات عبادتش قابل قیاس نیست ....

این کتاب از آن روزی که به حیله دشمن و به جهل لایش را بستند . لایه اش مصرف پیدا کرد و وقتی متنش متروک شد ، جلدش رواج یافت و از آن هنگام که این کتاب را که - خواندن نام دارد - دیگر نخوانند و برای تقدیس و تبرک و اسباب کشی به کار رفت . از وقتی که دیگر درمان دردهای فکری و روحی و اجتماعی را از او نخواستند و سبله‌ی شفای امراض جسمی چون درد کمر و باد شانه و ... شد و چون در بیداری رهایش کردند . بالای سر در خواب گذاشتند و بالاخره ، اینکه می بین اکنون در خدمت اموات قرارش داده اند و نثار روح ارواح گذشتگان و ندایش از قبرستان‌های مابه گوش می رسد قرآن ! من شرمنده توام اگر از تو آواز مرگی ساخته ام که هر وقت در کوچه عان آواز بلند می شود همه از هم می پرسند " چه کسی موده است ؟ " چه غفلت بزرگی که می پنداریم خدا ترا برای مردگان ما نازل کرده است .

قرآن ! من شرمنده توام اگر ترا از یک نسخه عملی به یک افسانه موزه نشین مبدل کرده ام .

یکی ذوق می کند که تو را بر روی برنج نوشته ، یکی ذوق می کند که تو را فراموش کرده ، یکی ذوق می کند که تو را با طلا نوشته ، یکی به خود می بالد که که تو را در کوچک ترین قطع ممکن منتشر کرده و... آیا واقعا خدا تو را فرستاده تا موزه سازی کنیم ؟

قرآن ! من شرمنده توام اگر حتی آنان که تو را می خوانند و تو را می شنوند ، آن چنان به پایت می نشینند که خلائق به پای موسیقی های روزمره می نشینند ... اگر چند آیه از تو را به یک نفس بخوانند مستمعین فریاد می زنند " احسنت ..... گویی مسابقه نفس است ...

قرآن ! من شرمنده توام اگر به یک فستیوال مبدل شده ای حفظ کردن تو با شماره صفحه ، خواندن تو از آخر به اول ، یک معرفت است یا یک رکورد گیری ؟ ای کاش آنان که تو را حفظ کرده اند ، حفظ کنی ، تا این چنین تو را اسباب مسابقات هوش نکنند . " خوش بے حال کسی که دلش رحلی است برای تو "

آنان که وقتی تو را می خوانند چنان حظ می کنند . گویی که قرآن همین الان به ایشان نازل شده است . آنچه ما با قرآن کرده ایم تنها بخشی از اسلام است که به صلیب جهالت کشیدیم .